آنومی سیاسی در ایران با تکیه بر نظر شهروردان تهرانی

احمد رجبزاده

مسعود کوثری

چکیده

جامعه ایران در دهه دوم انقلاب اسلامی (۱۳۸۰–۱۳۸۰–۱۳۸۰) دو جریان نوسازی اقتصادی (سازندگی) و سیاسی (صلاحیت) را پشت سر گذاشته است. این تغییرات شتابان اقتصادی و سیاسی آثار مختلفی بر جامعه ایران بر جای گذاشته‌اند. به نظر می‌رسد یکی از این آثار تشدید نابسامانی‌ها در صحت سیاسی ایران باشد. این مقاله با تحلیل مفهوم آنومی سیاسی و با تکیه بر نظریه آنومی سیاسی دورکیم، ظالم مؤثر این وضع را توضیح می‌دهد.

واژگان کلیدی: آنومی سیاسی، بی‌هنگامی، انتظار اجتماعی، انسجام اجتماعی، شهروردان، جامعه سیاسی، دولت، قانون اساسی، فردگرایی خودخواهانه، فردگرایی جمعی، عدالت، اخلاق، دموکراسی.

۵. مقاله خاص برگرفته از رساله دکتری جامعه‌شناسی با عنوان: انسجام اجتماعی، برگرفته از کتیبه، مسعود (۱۳۸۰) دانشگاه تربیت مدرس، دانشگاه تربیت مدرس تغییرات و علوم انسانی. از مشاوران علمی رساله آقایان دکتر مسعود چراغی و دکتر عمام.

Rajabzadeh_a@yahoo.com

mkousari@chamran.ut.ac.ir
مقدمه

آنومی از مسائلی است که جوامع مدرن همواره با آن دست به گرفتن بوده‌اند. آنومی، به عنوان یک مستقله اجتماعی یا بیماری جامعه مدرن، نه تنها درمانی روشی نیافته، بلکه به دوران پس از انقلاب یافته است (مسترودیج 1999). برخی از این پرسش‌ها شامل این مسئله‌ها هستند: در شرایطی افراد در جامعه مدرن سخنگفتگه و برخی دیگر با ترسیم تاریخ جوامع بشری، از ابتدا تا مدرن، روند ساختار اجتماعی را در جهت «دروهمیشدن» و روند فرهنگ را به سوی «آنومیک شدن» دانسته‌اند (کالونگ 1995). تغییرات شتابان اقتصادی و اجتماعی یکی از علل اساسی پیدایی آنومی در جوامع معاصر، به ویژه در کشورهای در حال توسعه است. بنابراین، برخی از دانشمندان کوشن‌هااند که به بررسی رابطه توسعت اقتصادی و اجتماعی انت‌آنومی در جوامع دست‌خوش تغییر و نوسانی نظر چنین، مالی و کشورهای اروپای شرقی به‌زودی (اِنسِن، 1999) می‌گویند. با توجه به اینکه اکثر کشورهای جهان سوم در وضعیتی شبیه به کشورهای پادشاهی هستند و به اصطلاح در دوران گذار برای نسل‌های باز می‌رند- همیشه به میانی، کم یا بیش، دچار آنومی می‌شوند. اینکه آنومی در این قبیل کشورها در حالتی حاد به‌زودی است به نوع سرعت و شدت تغییرات اقتصادی و اجتماعی در این کشورها بستگی دارد و خود محتوا پژوهشی تجربی است. با توجه به آنچه آمد، بررسی آنومی و انواع آن در کشورهای دست‌خوش گروگانی، نظر ایران، موضوعی در خور توجه است.

جوامع جهان سوم، نظر ایران، عموماً در شرایطی آنومیک، به صورت حاد یا مزمن، به سر می‌برند. این وضعیت آنومیک غالبان در فرآیندگذاری از جامعه به‌جای مدرن (سننی) به مدرن و در نتیجه جریان‌های نوسازی (محدود‌نیازی) بی‌پایان می‌آید. این وضعیت پیچیده و همراه با بی‌هنگاری یا ضعف هنگاری و تعارض است (جولی 1375: 138-8). در چنین شرایطی ما با ضعف در افتادن اخلاقی هنگاری به ویژه در آنها و گاهی به‌ویژه هنگاری روشی مواجه هستیم؛ به طوری که، گروه‌های هنگاری به خوبی راهنمایی و رفتارهای اجتماعی نیستند. به گفته اتسلنده (1999: 3-2) آنومی در کشورهای در حال توسعت، هم به «مشرووعت»

1. Mestrovic
2. Galtung
3. Atteslander
مفهوم آنومی در انضیش دورکیم

در متنون انگلیسی و دیگر زبانهای معلوم از جامعه‌شناسی آمریکا، آنومی غالباً به عنوان یک وضع (حال) «به هنگامی، به خاطر» (عدم انضباط) یا «آشفتگی» (نقص) هنگامی نمی‌گردد. تعیین شده است که با وابستگی و معنی مورد نظر دورکیم و هم‌عرضات برد ترسیم این وضع یا حالت اجتماعی، منتفی است. جامعه‌شناسان انگلیسی زبان که عمداً متاثر از پارسونز (1968، 1967:377) و مرن (1968:189-188) بوده‌اند آنومی را با متضادهای بالا تعیین کرده‌اند. با وجود این، برای فهم بهتر معناگر آنومی از نظر دورکیم شایسته است که به اصل متین فرانسه و متضادی که دورکیم خود برای آن به کار برده است مراجعه کنیم. نتیجه‌ای به وثیقه و نتیجه‌ای متضادی روشی
لا نكتب نامك في السجل، بل نكتب 
نعترا في الفضاء الذي تفرغت فيه سلامتك في الحياة.

خلالية، يا «الخلاقية» است، فس أرا ما توانت حالت پيياري الاخلالية يا، به تعبير دوريكيم، شرّ
دانت. در خودکشین، نيز آنومي يک حالت جمعي و يک حالت است که با همان
صفات شرّ، بحران، پيرشياني، آشفتگي و بی سازمانی بیان می شود (دورکیم
1897:300، 253، 288). دورکیم در اخلال حرکتی و اخلال مدنی، که کتابی درباره آنومی
است، از فقدان کدهای اخلالی در حرفه تجارت سخن می گويد؛ چرا که در تجارت هیچگونه
اخلال حرکتی وجود ندارد و در چنین وضعیتی نتیجه قاعدة حاکم نفع شخصی است که حاصل
آن چیزی جز بحران، رنج، هرچ و مرگ بشمار می گیو. از هم گسخختگی، بی سازمانی، پیرشیانی، آشوب و
منش ناهنجار نیست (مسترایچ 1985:88). او در سوسیالیسم (1967) معنی است ننامی
که می توانتن بر این وضعیت آشکار و ممنوع از، بحران و هرچ و مرگ حدی گذاران قواعد اخلالی
است ن، قواعد اقتصادی. از نظر دورکیم قواعد اقتصادی که مبنی بر نفع شخصی هستند
نمي توانتن جای قواعد اخلالی را بگيرند. نه قواعد اخلالی می توانتن بر شهوان سالی
پاپی پیش، پاپی پیش و آن را مهار کنند. این قواعد از اقتصاد به دست نمي آید. در ترتيب اخلالی دورکیم
است. در اینجا دورکیم آنومي را به معنای «ناوانی از
خودداری و وزیدن» در مقابل شهوت سرک و سیری ناپایدار و زیاده خواهی می دانند. به پیان دیگر
اخلاط به معنای «توانایی نه گفتی» به ميل سرک و زیاده طلب بشر است. وی در فلسفة و
جامعه شناسی با اشاعه به ساقط و مسیح می گوید که این دو «هنجار» یا «قاعده شکن» بودند
اما افرادی، آنومي نیستند، زیرا آنومی ناکسانندی از بالقواعد الاخلالی، «نفرت از کل نظم» به
معنای توهین به اخلاط با مقدسات است (دورکیم 1925:89). وی در کتاب اخیر به دو عنصر
واقع، در آنومی که متداول فساد و انحراف اخلاطی است این دو عنصر آسیب می بینند. در صورت
ابتدایی حیات دینی (دورکیم 1965:265) و نيز آخرين مقاله او با عنوان «دگرگانگی طبیعت
بشری و شرایط اجتماعی آن» (دورکیم 1980:160) بر اهمیت نبروي محدود کندن قواعد
اخلاطی و اجتماعی تأکید می شود.

آنومی سياسی

در بعضی نخستین به حیث گذشته به مفهوم آنومی در آثار مختلف دورکیم پرداخته، اکنون نوبت آن
است که به تعیین مفهوم آنومی سياسی بپردازیم. با توجه به مباحث قبلی و تعیین دورکیم از
اخلاق، آنومی را می‌توان چنین تعیین کرد: "آنومی عبرت است از حالتی که در آن قواعد اجتماعی برای عاملان لازم‌الویستند و پیروی از آنها برای افراد مطلوبیتی ندارد". از نظر دورکیم، آنومی سیاسی آنومی جامعه سیاسی است. برای آنکه بهتر بتوان به مفهوم آنومی سیاسی بپیبرد، روش ساختن مفهوم جامعه سیاسی ضروری است.

دورکیم در "درسه‌ای جامعه‌شناسی" مفاهیم جامعه سیاسی و دولت را مطرح می‌سازد. وی در تعريف جامعه سیاسی می‌گوید که جامعه سیاسی «گروه‌بندی‌ای است که شامل گروه‌بندی‌های ثانویه است و در نتیجه این گروه‌بندی‌ها به مدت طولانی، جامعه‌سیاسی بزرگ‌تر و ورودیت یافتگان گروه‌بندی است» (گیلانی، ۱۳۸۶:۲۰). دورکیم معین است که جامعه سیاسی کاملاً با مفهوم دولت یکسان نیست. جنگ جوامع سیاسی‌ای وجود دارند که قدرت متصرف ندارند، اما در جوامع مدنی، این دو مفهوم بسیار به یکدیگر نزدیک می‌شود. البته، وزارت دولت، دارای اهمیت و کاربردی متفاوت است که ریشه در تاریخ فلسفه سیاسی غرب دارد؛ دولت از سویی به عنوان یک گروه‌های از مقام‌های رسمی که نما یا اندکی انتقاد به آنها و اگذار شده تعیین شده است و از سوی دیگر برعکس جامعه سیاسی به عنوان یکک کلی برای مردم تحت حکومت و هیئت حاکم به عنوان یک امر واحد، به کار می‌روند. دورکیم، به منظور پرهمز از این آشکارگی، وزارت دولت را برای "کارگزاران انتقاد حاکم" و جامعه سیاسی را برای "گروه پیچیده" که دولت به‌ترتیب اندام آن است، به کار می‌برد. بنابراین، از نظر دورکیم، جامعه سیاسی مشکل از دو عنصر اساسی است: حکومت کنترل‌گذار (هیئت حاکم/دولت) و حکومت شهروندان (شهر و بانیان). البته دولت در اینجا به معنای گسترده‌اند که کل حکومت یا هیئت حاکم در بر می‌گیرد مد نظر است، نه یک بخش کوچک آن (فواید مجزیه). به اعتقاد دورکیم، دولت در جوامع جدید و م nIndex حاکم است (گیلانی، ۱۳۸۶:۲۲) و وظیفه آن تظیم قواعد (نظم حقوقی) است که رفتار شهر و بانیان را تظیم کند. حقوقی که تجزیه و تحلیل این قوانین رفتار از سوی دولت است حقوق اداری است (دورکیم، ۱۳۸۶:۲۳۵). بنابراین، وظیفه اصلی دولت حفاظت از این قواعد جامعی است.

دورکیم به علت نوعی دولت‌گرایی ۱ هم‌واره عدم انزوا و در نشیجه آنومی را متوسط حکومت شهروندان (شهر و بانیان) می‌داند، زیرا دولت از نظر ام‌هاری و مظهر و جمعی و وظیفه آن نظرات برجای قواعد اجتماعی است. اما در جوامع جدید، به ویژه در عرصه سیاسی، عدم 1: Etatisme
الالتزام خود هیئت حاکم (دولت) به قواعد جامعه سیاسی مستلزم در خور توجه است. به همین جهت، ما از این تعریف آنومی سیاسی استفاده می‌کنیم: "آنومی سیاسی وضعیتی است که در آن کنشگران نسبت به قواعد جامعه سیاسی، انتزاع ندارند و پیروی از آن قواعد برای ایشان مطلوبیتی ندارند." بر اساس این تعریف، می‌توان گفت که قانون اساسی جوامع مدرن به‌هرین تجلی‌گاه قواعد اصلی تنظیم‌کننده رفتار متقابل دولت و شهروندان است (شعبانی 1379:1270؛ مدنی 1380:1977؛ نجفی و محسنی 1379:195؛ طباطبائی مؤتمنی 1380:11). قانون اساسی نشانگر انتزاع دوسویه دولت (هیئت حاکم) و شهروندان به حقوق (یا وظایف) مشابه یکدیگر است. علاوه بر آنومی، به معنای عدم انتزاع هنرمند که در کانون توجه دورکش قرار دارد، ما در جوامع معاصر با وضعیت‌های بین‌هنجاری و تعارض هنرمندان سیاسی نیز مواجه هستیم؛ لذا ضمن تأکید بر آنومی سیاسی به منزله عدم انتزاع، دو نوع دیگر آنومی (بی‌هنجاری و تعارض هنرمندان) را نیز مورد توجه قرار می‌دهیم.

علل آنومی سیاسی

با روشی متفاوت، آنومی سیاسی توسط آنومی دورکمی می‌پردازیم. این علل از آثار مختلف دورکمی استخراج شده‌اند. از نظر دورکمی سنتی شدن سریع‌تری تغییر شتاب‌های اقتصادی، اصلی آنومی است و این موضوع مورد پذیرش بسیاری از جامعه‌شناسان به عنوان قرار گرفته‌است. در دوران موسوم به گذار، نوسازی اقتصادی‌ای سیاسی در جوامع صورت می‌گیرد. احتمال افزایش آنومی بیشتر می‌شود. به عنوان مثال، تعداد ساکن، که نسبت به حاکمیت مسیلیستی به نظام سرمایه‌داری را تجربه می‌کنند، موجب افزایش آنومی در جوامع مورد نظر است. این نوع آنومی را می‌توان "آنومی در جریان گذار" نامید که به نحو ما پیامدی از بین رفتن نظام بخشی و عدم استقرار نظام نوین است. وضعیت که در آن قواعد مشترک عموم هنوز استقرار نیافته‌اند. این نظر از انتقاد دورکمی، مبنی بر اینکه جریان تفکیک اجتماعی احتمال بروز آنومی را افزایش می‌دهد، برگرفته شده است.

دورکم در سطح تحلیل ساختاری خود به نقش عدم انسجام (یکسانی) اجتماعی اشاره کرده است.

1. Social integration
آئودو نیاز اشاره می‌کند. اما در تقسیم‌کار (۱۳۸۸: ۲۷۲) بر اساس اجتماعی، بین گروه‌ها یا اندام‌ها و در خوشه‌گذاری (۱۳۸۹: ۴۱۱) بر اساس اجتماعی، فرد و اجتماعات (خانوادگی، دینی و سیاسی) تأکید می‌وزد. لکو وود (۱۳۸۸: ۲۷۲) این دو نوع انسجام را انسجام اجتماعی (بین گروه‌ها) و انسجام سیستمی (بین گروه‌ها) می‌نامد. انسجام اجتماعی بیوستوکی اجتماعی افراد یک گروه با یکدیگر، و انسجام سیستمی بیوستوکی میان گروه‌ها اجتماعی مختلف در کل جامعه است. در این مقاله، به پیروی از این تفکیک بین دو نوع یکانگی (انسجام)، فقط به یکانگی سیاسی، که ادغام فرد در جامعه است، می‌پردازیم.

یکی از علل مورد نظر دورکیم در تطبیق آئودو دین است. اما به نظر می‌رسد که بیچی‌گی نظریه دورکیم درباره رابطه میان آئودو توجه کافی نشده است. جامعه شناسان بیشتر به آن جنبه از نظریه دورکیم که با رابطه میان بین انسجام اجتماعی مربوط می‌شود توجه کرده‌اند و از جنبه دیگر آن غفلت مانده‌اند. به بیان دیگر، آنچه دورکیم «فدرگرا» دینی می‌نامد، کاملاً به فرداند سکولاریسمون مرتب است.

دورکیم بیوستوکی آئودو را ضمایر اخلاق با پیامد تضعیف اخلاق می‌داند. شرط ضروری اخلاق یکی بار به همیشه به اخلاق داده شده است، پدیده و تکلب است و اخلاقی را نمی‌توان یافته که بدون پدیده و تکلب باشد. اما به نظر دورکیم بدون خودشان با یک دیگر موجودات فراطباعی این احساس تکلب و پدیده به معنی است، باورهای دینی حقیقت جهان را به اثر می‌نمایاند و به‌طور مکرر و سیگنال اخلاقی در این جهان مشخص می‌سازند. همچنین باورهای دینی هستند که ارزشهای اخلاقی (خوب و بد / خیر و شر) و توسعه اخلاقی برآمدان از آن ارزش‌ها (خیانت، قهرمانی، زندان و...) را به پیش می‌آورند. دین همراه با پیمان‌نامه اساسی اخلاق بوده است، اگرچه عده‌ای از متفکران کوشیده‌اند استدلال‌های اخلاقی غیردینی به جامعه عرضه کنند.

به نظر دورکیم، در جریان تطابق اجتماعی با تقسیم‌کار، و جریان جمعی (دینی) و باورهای مشترک دچار ضعف می‌شود و در نتیجه اخلاق دیگر مهم از دین نیز تضعیف می‌گردد. این کاهش افتادن اخلاقی قواعد زمینه‌پذیری آئودو را فراهم می‌سازد. بنابراین، روند سکولاریزاسیون (تضعیف باورهای دینی و در نتیجه اخلاق سنتی) به آئودو منجر می‌شود. اما نیروی ایفای آئودو به دلیل آن است که اخلاق جدید (کیفیت فردی اخلاق مدنی) هنوز کامل‌اند استقرار نیافته است. از انجاکه در جریان تقسیم‌کار تا زمان جایگزینی اخلاق جدید اخلاق سنتی (دینی) نمی‌تواند کمالی‌ای ماند. اگر باشد، آئودو یک پدیدار می‌گردد. سکولاریزاسیون در این معنی فراآیندی است که به اثر تقسیم‌کار پدیده می‌آید و در این قواعد عرفی جایگزین قواعد دینی می‌شود.
به طوری که اقتدار اختلافات قواعد دینی کاهش می‌یابد. در کتاب تفسیر کار دورکیم تعبیر دیگری هم از سکولاریزاسیون می‌توان دید. سکولاریزاسیون در اینجا حاکی از نوعی "تفکیک نهادی" است؛ به این معنا که نهاد دین انگل اندکی دیگر نهادهای اجتماعی تفکیک می‌شود. "مذهب در آگاهی، همه چیز را دریمی‌گیرد؛ همه عناصر زندگی اجتماعی بشر عناصری مذهبی ندارند، چندان که هر دو صفت اجتماعی و مذهبی به تقریب مترادف یکدیگرند" (دورکیم 1893:۱۰۳). اما اگر چنین که به اصلاح نخست در تمامی مناسبات بشری حضور داشته، به تدریج خود را کنار می‌کشد. دلیل عریان می‌سپارد تا بر سر آن نازع کند. اگر هم همچنان بالای سر باشد، حضور حضوری دورادور و از بالاست؛ تأثیر او در زندگی روزمره بشر، به تدریج کلیه و نامعین تر می‌شد و جای پیشتری برای بکارگرفتن شدن و عملکرد آزادانه بحث های بشری باز می‌کند (دورکیم 1893:۱۴۳-۱۴۴). در دورکیم در خودکشی (1891:۱۰۰-۱۰۱) به روشی به نقش دین در پیشگیری از خودکشی خودخواهانه اشاره می‌کند، چرا که در کنار یک اجتماع یا یک جامعه است: "[بانومن] دین انسان را در مقابل خودکشی حفظ می‌کند [...] دین یک جامعه است و تا حدی که یک جامعه است همان اثربا هم ایجاد می‌کند". لذا از نظر دورکیم آنچه خوددخواهی افراد را مهار می‌کند ویژگی اجتماع یا اجتماع بوستن دین است. تکنیک مهم در صورت ابتدا بودن دین است. تکنیکی به نظرهای مناسب دورکیم است. اجرای مناسبک راهی است که می‌توان از طریق آن فرد را در گروه‌ها ادغام و همیشهگی اجتماعی را تضمین کرد. به نظر آلپرت (1965:۱۳۷-۱۴۰)، دورکیم چهار کارکرد برای مناسبک قابل است (۱) کارکرد انضباطی و آماده‌سازی، (۲) کارکرد انسجامی، (۳) کارکرد احیای مجدد و (۴) کارکرد نشاط آوری.

بانومن، مناسبک دینی، به ویژه از طریق دو کارکرد انضباطی و انسجامی، مانع رشد خوددخواهی و انمهای در جوامع می‌شود؛ چرا که از سویی افراد به گروه‌های اجتماعی می‌پیوندند و از سویی دیگر با انقلال قواعد اختلافی و درونی کردن آن در افراد به قاعدات مسیحی اجتماعی کمک می‌کند.

فروندگاهی از مضامین است که دورکیم پیوسته به آن پرداخته است تا آنچه که آن را یکی از علل انمهای می‌داند. دورکیم بین دو نوع فردرکی اصلی یا منجر به نخست فردرکی اصلی افراد مذهبی بیش از پیوندهای اجتماعی و منشاء شر.
است. فراغ پایلوت نوع دوم، فراغ پایلوت ناشی از تقسیم کار است که هنگامی که تنها متمایز نیست بلکه محدود است و دورکیم از آن با عنوان وکیل فرد یاد می‌کند (دورکیم [1997] 1378، 1376: 13). در فراغ پایلوت خودخواهانه، انتظار افزایش قواعد (هنرهای) جامعه سیاسی که دولت نمایندگی آنها را به عهده دارد ضعیف می‌شود. فراغ پایلوت خودخواهانه که متشکل از سیاست‌ها و سرچشمه آن‌ها سیاست است در تعارض با دولت است، حال آنکه فراغ پایلوت جمعیت نه تنها هیچ تعارض و مشخص‌سازی با دولت ندارد بلکه دولت است که آن را آزاد می‌گذارد (دورکیم [1999] 1376:1375-6). از نظر دورکیم، فراغ پایلوت جمعیت دولت و دمکراسی به موازات هم توسعت می‌یابند و یکدیگر در تعارض و یکدیگر در تعارض با دولت. در مقابل، فراغ پایلوت خودخواهانه که به معناوی ترجیح منافع فردی و گروهی بر منافع جمعی و جامعه سیاسی است به آن‌ها منجر می‌شود. زیرا در این بیان از تاریخ دورکیم، از آنجا که افتاد در این اثره، همه پیوسته خواهانه همگونی و شهوان به‌نیب‌نیب هستند، انتظامی به قواعد اختلالی - که می‌تواند بر این «میل به به نهایت» و شهوان سبزی‌نپذیر حد گذراند - وجود ندارد.


1. Parsons

۱. طبق نظر دورکیم هنگامی مشترک با واقع هنگامی، ویژگی اختلالی جوامع با همین‌گی مکانیکی یا به‌دیگری است که جوامع مدرن.
به نقایس خود ادامه دهد، مانند اقوام دنیای کنونی، نیز به عدلت نیازمندیم (دورکیمی [۱۸۹۳:۱۳۶۲۴]). دورکیم در خوکشی نیز آنومی را نوعی تحقیق از "قانون عدل" می‌داند. بنابراین از نظر او وظیفه دولت نه برقراری نظام اجتماعی به معنای بیش‌تر گفته، بلکه برقراری و حفظ عدل است. چراکه از نظر دورکیم، "دولت اندام مدنی عدلت است..." (گلدزم: ۱۹۸۶:۲۹).

مدل نظری تحقیق

بر اساس متغیرهایی که از نظریه آنومی دورکیم و از آثار مختلفی از استحکام گردد، مدل نظری برای تبیین آنومی سیاسی ساخته‌اند. نکته قابل ذکر در این مدل آن است که منبعی به لحاظ سطح سنجش در پیماشیده می‌باشد، فقط به متغیرهای بعد از تغییرات شتابان (نوسازی) اقتصادی پرداخته‌اند.

نمودار ۱. مدل نظری آنومی سیاسی

روش شناسی

به منظور آزمون تجربی (دورکیمی) تحقیق، شهر تهران به عنوان جامعه اصلی، انتخاب گشته است و تعداد ۱۲۰ نفر از شهرنشینان بالای ۱۶ سال تهرانی به عنوان نمونه از منطقه شهری گزیده شده‌اند. گردآوری داده‌ها به شیوه پیام‌رسانی انجام گردیده و داده‌ها از طریق مصاحبه حضوری و پاسخ به سوال‌های پرسشنامه استاندارد شده با پاسخ‌های عمداً بسته
سنگش متغیرهای مستقل و وابسته

سنگش متغیرهای وابسته و مستقل با ساختن شاخه‌ایی که بتوانند با توجه به شرایط جامعه، ایران مناسب باشند به شرح زیر صورت گرفته است. آمارهایي توصیفی هر یک از شاخه‌ها در جدول 1 آمده است.

آنومی سیاسی (متغیر وابسته)

متغیر وابسته این تحقیق از دو منظر سنگینگه شده است: 1) فرد به عنوان ناظر و 2) فرد به عنوان عامل. هنگامی که فرد در مورد التزام حکومت قضاوت (ارزیابی) کرده و به اصطلاح نقش ناظر را بر عهده داشته است، متغیر وابسته را احساس آنومی سیاسی نامیده‌ایم. اما هنگامی که فرد به عنوان عامل در مورد التزام خود به اصول قانون اساسی و دیگر قوانین اجتماعی نظر داده است، متغیر را آنومی سیاسی نام گذاری‌شده‌ایم. در زیر، شاخه‌های هر یک را به تفکیک توضیح می‌دهیم.

1. احساس آنومی سیاسی

احساس آنومی سیاسی باور به عدم التزام حکومت و مسئولان به قواعد جامعه سیاسی (قانون اساسی) است. در سنگش التزام حکومت (نظام جمهوری اسلامی) به قانون اساسی، قضاوت پاسخگویان در مورد برخی از اصول مشخص قانون اساسی، که پیبرامون حقوق سیاسی و اجتماعی شهروندان است، مورد سؤال قرار گرفته است. حال آنکه در مورد مسئولان و جناح‌های سیاسی، به منظور پروریز از طولانی شدن پرسش‌های قضاوت شهروندان (پاسخگویان)، در مورد کلیت قانون اساسی خواسته شده است. مقياس مورد استفاده در ساختن این شاخه از نوع لیبرت است و نظر پاسخگویان بر اساس یک طبیعی پنهن قسمتی (از کمال مخالف تا کاملاً موافق) تنظیم شده است.
آنومی سیاسی در...

۲. آنومی سیاسی

بررسی آنومی سیاسی از سه منظر مهم است: عدم التفاهم هنرجویی، بی‌هنجری و تعارض هنرجویی. در جامعه ایران هر سه نوع آنومی می‌تواند با کم و بی‌کافی و شدت و ضعف متفاوت وجود داشته باشد. لذا به رغم اینکه تأکید ما در طول این تحقیق بر آنومی سیاسی به منزله عدم التفاهم به هنجرارا (قانونی اساسی و دیگر قوانین کشور) بوده است، برای تکمیل بحث دو نوع دیگر شاخص را نیز باید ممکن سنجیده‌ایم.

همان طور که گفته می‌شود، آنومی سیاسی را به منزله عدم التفاهم هنرجویی در نظر می‌گیریم. آنومی سیاسی عبارت از حالتی است که در آن کنشگران نسبت به قواعد جامعه سیاسی التفاهم ندارند و بیروی از این قواعد برای پایان مطلوبیتی ندارند. در این تعریف، عناصر اساسی تعهد (التزام) و مطلوبیت هستند.

التزاوم (تعهد): احساس وظیفه نسبت به رعایت قواعد جامعه سیاسی است.

مطلوبیت: احساس اینکه قواعد مناسب هستند و می‌توانند زندگی اجتماعی را ساماندهی نمایند.

منظور ما از تعریف جامعه سیاسی همان قواعد اساسی یا قانون اساسی است که به منظور تعیین رابطه (حقوق و وظایف) متقابل دولت و شهرنشین وضع شده و مورد قبول بیشتر اعتقادات جامعه سیاسی با دولت. ملت قرار گرفته است. به بیان دیگر، اساس تنظیم رابطه دولت و ملت در یک جامعه سیاسی همان قانون اساسی است و به همین دلیل برای سنجش آنومی...
سیاسی، التزام و مطلوبیت را نسبت به قانون اساسی سنجیده‌ایم.

صاحب التزام خود سه شرایط اصلی دارد: ۱) عدم التزام به قانون اساسی، ۲) عدم التزام به کلیت قانون اساسی و ۳) عدم التزام به قوانین اداری (فشار هنجاری).

۳. شاخص احساس نااعالماهان بودن قواعد
منظور از این شاخص، باور به نااعالماهان بودن قوانینی است که تنظیم کننده زندگی اجتماعی و رابطه شهرسونه دولت است. در این حالت اگرچه قواعد اجتماعی وجود دارد، اما این قواعد از سوی مردم نااعالماهان تشخیص داده می‌شود. با توجه به چهار نوع عدلت (تورزی، قانونی، فرضی و مشترک)، (بفسی ۷۸۹: ۳-۵)، ارزیابی پاسخگویان در درباره قواعد از چهار و جه (تورزی، قانونی، فرضی و مشترک) پرسیده‌ایم.

نمره حداکثر شاخص احساس نااعالماهان بودن قواعد ۸ و نمره حداکثر آن ۳۰ است. میانگین شاخص ۱۹/۳ است که نشان دهنده ارزیابی کاملی متقابل پاسخگویان در مورد قواعد است. به بیان دیگر، پاسخگویان قواعد اجتماعی را نااعالماهان ارزیابی می‌کنند.

۴. شاخص پیگاهی سیاسی
مفهوم انسجام یا پیگاهی سیاسی دارای دو بعد است: تعلق سیاسی و شرکت در اجتماع سیاسی.

منظور از تعلق سیاسی، ابراز غور، علاقه و همکاری به جامعه سیاسی است. منظور از شرکت در اجتماع سیاسی، شرکت در روابطی است که فرد را به جامعه سیاسی پیوند می‌دهد. به بیان دیگر، شرکت سیاسی مشترکت در فعالیت‌هایی است که شهرسونه را در حکومت به‌عنوان می‌کند.

شاخص شرکت در اجتماع سیاسی براساس ۸ سوال تنظیم شده است که میزان شرکت پاسخگویان (شهرسونه) را در فعالیت‌های سیاسی (شرکت در انتخابات، شرکت در راهپیمایی‌ها و تظاهرات، شرکت در جشن‌ها و مراسم ملی، تبلیغ در انتخابات، تشویق دیگران به شرکت در انتخابات، تبلیغ و هم‌دادای از گروه‌ها و احزاب سیاسی، شرکت در بحث و گفتگوی سیاسی و پیگیری اخبار سیاسی) اندازه‌گیری است. شاخص احساس تعلق سیاسی نیز متقابل از نوع لیکرت و مرکب از ۸ گویه است. این گویه‌ها به نحوی انتخاب شده است که احساس تعلق به حکومت (نظام جمهوری اسلامی) را در ابعاد مختلف بسنجد.

۵. شاخص سکولاریسم
سکولاریسم یا حمایت و سکولاریسم و ازدهایی هستند که به صورت مترادف و گاه متناظت در متن‌های مختلف به کار می‌روند. صرف نظر از تعیینی که نویسندگان مختلف از هر یک از این دو
واژه کرده‌اند، مثلاً از سکولاریزاسیون هنگامی که مراد جنبه فراکلیدی است و از سکولاریسم هنگامی که پیامدهایی از فراکلیدی است استفاده کرده‌اند.
سکولاریزاسیون: فراکلیدی است که طی آن باور به سرچشمه‌های دینی یا اعتبار و مبنا مشروطه دینی قواعد اجتماعی تضعیف می‌شود.
سکولاریسم: باور به عدم حقایق و عدم اعتبار و مشروطه دینی قواعد اجتماعی است.
در این تحقیق به جای آنکه از سکولاریزم در همه عرصه‌های اجتماعی سخن به میان آوریم، فقط از سکولاریسم در عرصه‌های سیاسی سخن گفته‌ایم. در وچه سیاسی نیز به آن جنبه از سکولاریسم توجه کرده‌ایم که به تضعیف اعتبار یا مشروطه دینی قواعد جامعه سیاسی (در اینجا قانون اساسی) باز می‌گردد. بنابراین، باه‌دکه از نظر شهروندان «ملک» درستی و پذیرش قواعد چیست؟ آیا مورد (شهرزاد) قانون اساسی را چون دینه مهر تأیید بر آن زده است (معمار مشروطه دین در این دست) یا یک‌پذیرند یا اینکه پذیرش قوانین به این دلیل است که نوعی قراردای و «میاناق جمعی» مستند، هرچه مورد (شهرزاد) پذیرش قوانین راکمره به معیارها و ضوابط دینی ارجاع دهند، بیشتر سکولار خواهد بود. بدین‌طور که ما در اینجا با طرفین روبرو هستیم از کامل‌آنا دینی تا کامل‌آنا سکولار. شاخص سکولاریسم مقياس‌ی از نوع لیکرت بیا گویه است. البته، همانگونه که در بحث نظری آمد، این شاخص فقط نگرش سکولاریستی نسبت به قانون اساسی را می‌سنجد و معنای پیسار محدودتری از سکولاریسم، در همه‌ای ابعاد و سطوح، در نظر دارد. نمره‌های دخالت این شاخص 6 و نمره‌های دخالت آن 40 است. میانگین شاخص 19/3 است که نشان‌دهنده‌ی نگرش سکولار با‌خودگرای یا قانون اساسی است. البته این نگرش شدید نیست، اما می‌توان گفت که بیش از حد متوسط است.

6. شاخص فردگرایی
به‌نظر می‌رود از لحاظ این نوع فردگرایی با فردگرایی جمعی (با مشت) دورکیمی، این نوع فردگرایی را فردگرایی خودخواهانه نامیده‌ایم. هرگاه از تفگیر فردگرایی سخن گفته‌ایم، این نوع فردگرایی مذکور بوده است.
فردگرایی در اینجا به معنای ترجیح نوع شخصی (فرد و گروه‌های مورد علاقه‌فرد) بر منافع جامعه سیاسی است، مفهوم فردگرایی با سه شاخص سنجیده شده است: (1) احساس فردگرایی مستقلان، (2) احساس فردگرایی جناح‌های سیاسی و (3) فردگرایی شهروندان. بدین‌طور که در دو شاخص اول ارزیابی با فاصله‌بندی را به عنوان نظیر در مورد فردگرایی مستقلان و جناح‌های سیاسی سنجیده‌ایم. بنابراین نمرات به دست آمده در نمرات قضاوت‌های ارزیابی
شهروردان (به عنوان ناظر) در مورد مسئولان و جناهجاهاست. در شاخص سوم، میزان واقعی فردگرایی خود شهروردان (به عنوان عامل) را نسبت به فوائدی جاری اداری سنجیده‌ایم. البته در این شاخص نیز، نظری شامل شاخص سکولاریسم، ما خود را به آن بخشی از فردگرایی که به موضوع تحقیق حاضر مرتبط است، حاصل ساخته‌ایم و از معنی وسیع آن پرهیز کرده‌ایم. این شاخص مقياسي از نوع آزگود (برن قطبین / تفاوت معنایی) است که در آن به جای دو صفت متضاد، از دو گویه با محترٰ ضابث استفاده شده است.

7. شاخص یگانگی دینی
شاخص یگانگی دینی تظییر شاخص یگانگی سیاسی از دو بعد اصلی تشکیل شده است:
1) احساس تعلق دینی و 2) شرکت در اجتماع دینی. تعلق دینی عبارت از ابراز غرور، سربلندی و انتخاب از هویت مذهبی است. شاخص تعلق دینی از نوع لیکرت با گویه است که میزان تعلق فرد به اجتماع دینی و احساس رضایت و خشنودی از هویت دینی را می‌سنجد. جنبه انسجام بخشی دین در این تحقیق از طریق شرکت در مناسک سنجیده شده است. معمولاً در همه ادیان دو نوع مناسک وجود دارد: بخشی از این مناسک فردی هستند و بخشی جمعی. البته مناسک جمعی نقش بیشتری در ایجاد انسجام اجتماعی دارند. از اینرو تأکید ما ب توجه به دسته‌بندی دو کمی از مناسک در صورت ابتدا حیات دینی، در سنگش میزان با آورد مناسک از سوی افراد بر مناسک جمعی است.

به منظور سنگش میزان مشارکت افراد در این مناسک که فرد را به جامعه پیوند می‌دهد و کارکرد انسجام بخش اجتماعی دین است، تعداد دفعات شرکت و مدت یا تداوم شرکت (به سال) در هریک از مناسک پرسیده شده است.
جدول 1. آمارهایی توصیفی متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق

<table>
<thead>
<tr>
<th>متغیر</th>
<th>میانگین</th>
<th>انحراف معیار</th>
<th>چولگی</th>
<th>کشیدگی</th>
<th>حداقل</th>
<th>حداکثر</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>1-احساس آنومی سیاسی</td>
<td>64</td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td>40</td>
<td>90</td>
</tr>
<tr>
<td>انتزاع حکومت</td>
<td>55/9</td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td>9/61</td>
<td>2/23</td>
</tr>
<tr>
<td>انتزاع مسئولان و جناحها</td>
<td>8</td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td>1/5</td>
<td>0/83</td>
</tr>
<tr>
<td>2-انومی سیاسی</td>
<td>43/7</td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td>7/66</td>
<td>21</td>
</tr>
<tr>
<td>عدم انتزاع همتاری</td>
<td>3/03</td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td>6/7</td>
<td>11/16</td>
</tr>
<tr>
<td>عدم مطلوبیت</td>
<td>12/4</td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td>3/0</td>
<td>0/88</td>
</tr>
<tr>
<td>3-پی همتاری</td>
<td>16/8</td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td>2/7</td>
<td>6/75</td>
</tr>
<tr>
<td>4-پیش همتاری</td>
<td>13/5</td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td>3/3</td>
<td>0/11</td>
</tr>
<tr>
<td>5-فرآیندهای عمومی</td>
<td>12/6</td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td>4/8</td>
<td>0/3</td>
</tr>
<tr>
<td>فرآیندهای مستقل</td>
<td>7/7</td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td>3/0</td>
<td>0/67</td>
</tr>
<tr>
<td>فرآیندهای جناحی</td>
<td>7</td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td>3/0</td>
<td>0/67</td>
</tr>
<tr>
<td>فرآیندهای شهوتزادان</td>
<td>8/3</td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td>2/3</td>
<td>0/6</td>
</tr>
<tr>
<td>6-پیگانگی سیاسی</td>
<td>3/0</td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td>2/0</td>
<td>0/15</td>
</tr>
<tr>
<td>شرکت در اجتماع سیاسی</td>
<td>12/0</td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td>3/0</td>
<td>0/15</td>
</tr>
<tr>
<td>7-پیگانگی دینی</td>
<td>29/1</td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td>2/0</td>
<td>0/15</td>
</tr>
<tr>
<td>شرکت در اجتماع دینی</td>
<td>12/0</td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td>3/0</td>
<td>0/15</td>
</tr>
<tr>
<td>8-نواحی رسم</td>
<td>18/9</td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td>3/0</td>
<td>0/15</td>
</tr>
<tr>
<td>9-نواحی آداوری بودن قواعد</td>
<td>19/3</td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td>5/0</td>
<td>0/15</td>
</tr>
</tbody>
</table>

از جمع‌نمودن دو شاخص شرکت در اجتماع دینی و احساس تعلق دینی، شاخص کلی پیگانگی دینی ساخته شده است. نمره‌های حداکثر این شاخص 3/5 و نمره حداکثر آن 8/8 است.

میانگین شاخص کلی (7/7) بالاتر از حد متوسط و نشان‌دهنده دیدگاری بودن پاسخگویان است.

یافته‌های تحلیلی

پس از تعریف عملکرد مفاهیم، ساختن شاخص‌های برای سنجش آنها و ارائه برخی از مهم‌ترین یافته‌های توصیفی (نگاه کنید به جدول 1)، به ارائه یافته‌هایی تحلیلی می‌پردازیم. این یافته‌ها را...
به شرح زیر ارائه می‌کنیم: (1) اجراي آزمون پایاپای و تحلیل عامل، (2) ضرایب همبستگی دوبعدی متغیرهای مستقل و وابسته، (3) ضرایب همبستگی دوبعدی هم‌هم‌متغیره (متریس کلی ضرایب همبستگی)، (4) اجراي گرسیون چند متغیره (چندگانه) و (5) ترسیم مدل‌هاي تحلیل مسیر.

(1) تحلیل پایاپای و تحلیل عاملی شاخص‌های وابسته
الف) شاخص احساس آنومی سیاسی: این شاخص دارای دو شاخص فرعی است: (1) احساس حکومت به قانون اساسی، (2) احساس مسئولان و جنایی به قانون اساسی. نتایج تحلیل پایاپایی (ALPHA) = 0.64
سازگاری درونی شاخص کلی احساس آنومی سیاسی را تأیید می‌کند.

ب) شاخص آنومی سیاسی (انتار یه گانه): این شاخص خود مربک از سه شاخص است: آنومی به منظور عدم تنهاژ، به هنگام و تعارض هنگامی. نتایج تحلیل پایاپایی (ALPHA) = 0.68
سازگاری درونی این سه متغیر برای ساختن شاخص کلی آنومی سیاسی را تأیید می‌کند. اجرای تحلیل عاملی یک عامل را مشخص می‌سازد. آماره KMO = 0.62 (درستی تعيين یک عامل را برای این سه متغیر (شاخص‌های عدم تنهاژ هنگامی، به هنگام و تعارض هنگامی) تأیید می‌کند.

(2) ضرایب همبستگی متغیرهای مستقل و وابسته
ضرایب همبستگی دوبعدی (2 پرسون) بین متغیرهای مستقل و وابسته (نگاه کنید به جدول 2) کلیه ضریب‌های تحقیق را تأیید می‌کند. با توجه به ضرایب پایاپای زیر قابل توجه است:

1) بین کلیه متغیرهای مستقل و احساس آنومی سیاسی همبستگی معناداری وجود دارد.
ب) ضرایب مقدار همبستگی بین فردگرایی مسئولان و جنایی (0.5) با احساس آنومی سیاسی (0.2) و کوچکترین مقدار همبستگی بین یگانگی دینی و سکولاریسم با احساس آنومی سیاسی (0.29) و دومی 0.29 است. حال آنکه در رابطه این متغیرها با آنومی سیاسی بزرگترین مقدار همبستگی بین یگانگی سیاسی و آنومی سیاسی (0.58) و کوچکترین مقدار بین سکولاریسم و آنومی سیاسی (0.35) است.
جدول 2. ضرایب همبستگی پیرسون بین در شاخص احساس آنومی سیاسی و آنومی سیاسی و همین متغیرهای مستقل

<table>
<thead>
<tr>
<th>آنومی سیاسی</th>
<th>احساس آنومی سیاسی</th>
<th>شاخص</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>0.52 ** (0.178)</td>
<td>0.46 ** (0.377)</td>
<td>1. احساس ناعادلانه بودن قواعد</td>
</tr>
<tr>
<td>0.35 ** (0.040)</td>
<td>0.39 ** (0.371)</td>
<td>2. سکولاریسم</td>
</tr>
<tr>
<td>0.58 ** (0.336)</td>
<td>0.41 ** (0.356)</td>
<td>3. پگانگی سیاسی</td>
</tr>
<tr>
<td>0.41 ** (0.374)</td>
<td>0.41 ** (0.336)</td>
<td>4. پگانگی دینی</td>
</tr>
<tr>
<td>0.50 ** (0.249)</td>
<td>0.21 ** (0.344)</td>
<td>5. فردگرایی (مسئولان)</td>
</tr>
<tr>
<td>0.50 ** (0.288)</td>
<td>0.35 ** (0.247)</td>
<td>6. فردگرایی (شهرزاد)</td>
</tr>
<tr>
<td>0.50 ** (0.288)</td>
<td>0.35 ** (0.247)</td>
<td>7. پایگاه اقتصادی اجتماعی</td>
</tr>
</tbody>
</table>

2. جهت رابطه بین متغیرهای مستقل و هر دو شاخص احساس آنومی سیاسی و آنومی سیاسی یکسان است. جهت رابطه در مورد متغیرهای احساس ناعادلانه بودن قواعد، فردگرایی مسئولان و جنجالهای و سکولاریسم با احساس آنومی سیاسی و آنومی سیاسی مثبت (مستقیم) است. حال آنکه جهت رابطه بین متغیرهای پگانگی سیاسی و پگانگی دینی با احساس آنومی سیاسی و آنومی سیاسی منفی (معکوس / غیرمستقیم) است.

3. بین فردگرایی شهرزاد و پایگاه اقتصادی - اجتماعی با دو متغیر احساس آنومی سیاسی و آنومی سیاسی رابطه معناداری مشاهده نمی‌شود.
جدول ۲ ضرایب همبستگی پیرسون بین کلیه متغیرهای مستقل و واپس‌هائی آنومی سیاسی

| متغیرهای مستقل | آنومی سیاسی | پیگانگی دینی | سکولاریزم | فردگرایی شهرنشینان | فردگرایی دانشمندان | فردگرایی اصناف | آنومی سیاسی
|----------------|-----------|-----------|--------|----------------|--------------------|----------------|-----------|

(۴) جز در مورد فردگرایی مستقل و جنجال، همه مقدارهای همبستگی در رابطه بین متغیرهای مستقل و آنومی سیاسی نسبت به احساس آنومی سیاسی مقدار بدرگری هستند. نتایج ضرایب همبستگی دو به دو (بررسی) بین کلیه متغیرهای نیز حاصل کاتی جایب

توجه است (نک جدول ۲۳) که مهمترین آنها به ترتیب زیر است:
الف) بین کلیه متغیرهای مستقل، همبستگی معناداری وجود دارد.
ب) بزرگترین مقدار همبستگی، بین پیگانگی دینی و پیگانگی سیاسی (۰.۵۵) = ۲ مسالمه.
م) شدیده که حاکی از ارتباط نسبتاً قوی بین این دو متغیر است. به بیننی دیگر افراد مذهبی تر پیگانگی سیاسی بیشتری نیز با نظام سیاسی ایران دارند.
ج) کمترین مقدار همبستگی بین سکولاریزم و احساس فردگرایی مستقل و جنجالها.
مشکل اساسی ضرایب همبستگی دو به دو (پیرسون) این است که تنها می‌تواند رابطه‌ی دوی متغیرهای مستقل و وابسته‌ی را نشان دهد. اما از نشان دادن تأثیر همزمان متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته‌ی نتایج استفاده نمی‌شود. بنابراین، به روش نیاز است که تأثیر همزمان و نیز خالص متغیرهای مستقل و وابسته‌ی را نشان دهد. این روش رگرسیون چند متغیره است. به منظور تحلیل رگرسیون مدل‌های مستقل و وابسته‌ی از استفاده نرم‌افزار SPSS استفاده می‌شود. روش تحلیل رگرسیون مورد استفاده‌ن، روش گام به گام که ساختگی‌ترین روش است. اما به منظور مقایسه بهتر نتایج در صورت احساس آنومی سیاسی و آنومی سیاسی، به منظور مقایسه بهتر مدل‌های تحلیل، می‌باشد. اما به منظور متغیرهای نتایج احساس احساس آنومی سیاسی و یکپارچگی سیاسی، که در اولی پاسخگو به عنوان ناظر و در دومی به عنوان عامل مورد سنجش قرار گرفته است، هر یک را به تفکیک وارد معادله رگرسیونی کرد. همچنین به منظور مقایسه بهتر مدل‌های تحلیل، می‌تواند به صورت جادوگری ترسیم کرد.

الف) رگرسیون چند متغیره احساس آنومی سیاسی: نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره احساس آنومی سیاسی در جدول ۴ آمده است. ضریب همبستگی چند متغیره (R) بین شاخص احساس آنومی سیاسی و دو شاخص فردگرایی سیاسی و یکپارچگی سیاسی ۶۳/۶ است. این دو شاخص (فردگرایی مشمولان و یکپارچگی سیاسی) در مجموع ۳۸/۶ درصد (۲/۸) از واریانس متغیر احساس آنومی سیاسی را توضیح می‌دهند. اگر به‌خواهی نتایج این تحقیق را در مورد احساس آنومی سیاسی به کل جامعه آماری (شهرهه‌نان تهرانی) تعمیم دهیم، مقادیر ضریب تبعیض اصلی شده (R ثب) ۲/۶۷۷۷۵ درصد (۷/۶۹۵) در مورد احساس آنومی سیاسی را توضیح می‌دهد. سطح معناداری (F نشان می‌دهد که روابط یافته شده در معادله رگرسیونی احساس آنومی سیاسی در سطح ۹۹ درصد اطمینان معنادار است.

ب) رگرسیون چند متغیره آنومی سیاسی: معادله رگرسیون چند متغیره را این بار با
شاخص آنومی سیاسی (انواع سه گانه آنومی) تکرار می‌کنیم. نتایج ۵ بار اجرای رگرسیون در جدول ۵ آمده است.

۴) مدل‌های تحلیل مسیر

پس از اجرای تحلیل رگرسیون و به دست آوردن ضرایب مسیر که همان بناها یا ضرایب استاندارد شده رگرسیون هستند، (نک تداول ۴ و ۵) اکنون مدل‌های تحلیل مسیر دو متغیر احساس آنومی سیاسی و آنومی سیاسی را می‌توان ترسیم کرد.

الف) مدل تحلیل مسیر احساس آنومی سیاسی در معادله رگرسیونی احساس آنومی سیاسی، در گام اول، دو متغیر فردگرایی سیاسی (β/24 = β) و یگانگی سیاسی (β/23 = β) وارد می‌شوند. ادامه تحلیل رگرسیون دو متغیر متناوق را از لحاظ نجووی تأثیر یافته متغیرهای مستقل مشخص می‌سازد. در مسیر نخست، احساس ناعادلانه بودن قواعد (β/22 = β) مهم‌ترین متغیر مؤثر بر فردگرایی سیاسی و از آن طریق بر احساس آنومی سیاسی اشت. در مسیر دوم، یگانگی دینی (β/21 = β) از طریق تأثیر بر یگانگی سیاسی بر احساس آنومی سیاسی تأثیر می‌گذارد.

جدول شماره ۲. نتایج ۴ بار اجرای رگرسیون چند متغیره آنومی سیاسی

<table>
<thead>
<tr>
<th></th>
<th>F</th>
<th>S.E</th>
<th>R2</th>
<th>R2</th>
<th>R2</th>
<th>R2</th>
<th>متغیر واپس‌شده</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td></td>
<td>مقدار آزمون</td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td>متغیر مستقل</td>
</tr>
<tr>
<td></td>
<td>(سبع استاندارد)</td>
<td>تعیین شده</td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>آنومی سیاسی</td>
<td>۶/۰۸۶</td>
<td>۶/۰۸۶</td>
<td>۶/۰۸۶</td>
<td>۶/۰۸۶</td>
<td>۶/۰۸۶</td>
<td>۵/۵۳</td>
<td>۱. فردگرایی سیاسی</td>
</tr>
<tr>
<td>فردگرایی سیاسی</td>
<td>۶/۰۸۶</td>
<td>۶/۰۸۶</td>
<td>۶/۰۸۶</td>
<td>۶/۰۸۶</td>
<td>۶/۰۸۶</td>
<td>۵/۵۳</td>
<td>۲. یگانگی سیاسی</td>
</tr>
<tr>
<td>ناعادلانه بودن</td>
<td>۶/۰۶۴</td>
<td>۶/۰۶۴</td>
<td>۶/۰۶۴</td>
<td>۶/۰۶۴</td>
<td>۶/۰۶۴</td>
<td>۵/۵۱</td>
<td>۱. ناعادلانه بودن</td>
</tr>
<tr>
<td>ناعادلانه بودن</td>
<td>۶/۰۶۴</td>
<td>۶/۰۶۴</td>
<td>۶/۰۶۴</td>
<td>۶/۰۶۴</td>
<td>۶/۰۶۴</td>
<td>۵/۵۱</td>
<td>۲. فردگرایی م.</td>
</tr>
<tr>
<td>یگانگی سیاسی</td>
<td>۶/۰۸۶</td>
<td>۶/۰۸۶</td>
<td>۶/۰۸۶</td>
<td>۶/۰۸۶</td>
<td>۶/۰۸۶</td>
<td>۵/۵۳</td>
<td>۱. یگانگی سیاسی</td>
</tr>
</tbody>
</table>

از ضرایب تباین کوکسرتز از ۰/۴ صرف نظر نشده است.
جدول شماره ۵: نتایج ۵ بار اجرای گرگسون چند متغیره احساس آنومی سیاسی

<table>
<thead>
<tr>
<th>متغیر وابسته</th>
<th>متغیر مستقل</th>
<th>R²</th>
<th>R</th>
<th>S.E</th>
<th>F (سطح معناداری آن)</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>احساس آنومی سیاسی</td>
<td>فردگرایی</td>
<td>0.38</td>
<td>0.66</td>
<td>0.33</td>
<td>0.34/1</td>
</tr>
<tr>
<td></td>
<td>دی. سیاسی</td>
<td>0.15</td>
<td>0.66</td>
<td>0.15</td>
<td>0.34/1</td>
</tr>
<tr>
<td>فردگرایی سیاسی</td>
<td>نااعادلانه</td>
<td>0.36</td>
<td>0.72</td>
<td>0.27</td>
<td>0.43/9</td>
</tr>
<tr>
<td></td>
<td>دی. دینی</td>
<td>0.18</td>
<td>0.72</td>
<td>0.15</td>
<td>0.43/9</td>
</tr>
<tr>
<td>یگانگی سیاسی</td>
<td>نااعادلانه</td>
<td>0.22</td>
<td>0.74</td>
<td>0.17</td>
<td>0.19/5</td>
</tr>
<tr>
<td></td>
<td>دی. سیاسی</td>
<td>0.17</td>
<td>0.74</td>
<td>0.17</td>
<td>0.19/5</td>
</tr>
<tr>
<td>یگانگی دینی</td>
<td>نااعادلانه</td>
<td>0.22</td>
<td>0.74</td>
<td>0.17</td>
<td>0.19/5</td>
</tr>
<tr>
<td></td>
<td>دی. دینی</td>
<td>0.17</td>
<td>0.74</td>
<td>0.17</td>
<td>0.19/5</td>
</tr>
<tr>
<td>نااعادلانه بودن فواد</td>
<td>دی. دینی</td>
<td>0.17</td>
<td>0.74</td>
<td>0.17</td>
<td>0.19/5</td>
</tr>
</tbody>
</table>

ارائه تفسیری منطقی از نحوه ورود متغیرهای مستقل به معادلهٔ گرگسون احساس آنومی سیاسی و نحوه آرایش آنها در مدل تحلیل مسیر چند دوستی نیست. در زیر به اختصار، به هر یک از متغیرهای مستقل و چگونگی تأثیر آنها بر احساس آنومی سیاسی می‌پردازیم.

(۱) فردگرایی: در تحقیق حاضر احساس آنومی سیاسی به معنای ارزیابی (احساس) شهردان از الگوی حکومت و مسئولان به قانون اساسی است. به همین دلیل است هرچه احساس شهردان از شهردان بیشتر باشد (اردیکی شهردان این باشد که مسئولان و جناحای در مواجهه با قوانین بیشتر منافع خود را در نظر می‌گیرند تا منافع جمعی با کشور ارزیابی منفی‌تری نسبت به الگوی حکومت و مسئولان (احساس آنومی سیاسی) به قانون اساسی خواهد داشت.

(۲) احساس نااعادلانه بودن فواد: احساس نااعادلانه بودن فواد از طریق فردگرایی سیاسی و یگانگی سیاسی، بر احساس آنومی سیاسی تأثیر می‌گذارد. نحوه تأثیرگذاری احساس نااعادلانه بودن فواد از طریق یگانگی سیاسی روشن است. هرچه از نظر افراد طبقی ارزیابی
آن آنانی که قوانع جامعه‌سیاسی در ابعاد مختلف آن توواناد عدالت را بین شهرنوازان و برگزیدگان
(شامل برگزیدگان سیاسی، اقتصادی و...) برقرار سازد، یکگانگی می‌تواند به جامعه سیاسی کمتر
می‌شود؛ زیرا هم احساس تعلق فرد به جامعه نابرداری که در آن زندگی می‌کند و هم شرکت او در
فعالیت‌های سیاسی جامعه کاهش می‌یابد. همین موضوع در مورد رابطه احساس ناعادلانه بودن و
فرودگیری سیاسی نیز صادق است. احساس ناعادلانه بودن قواعد شهرنواند را نسبت به مسئولان
و جناحها و نحوه‌ی مواجهه آنان با قواعد، دچار سوءظن و بدیعی می‌کند.

(۳) یکگانگی سیاسی: در مسیر دوم که یا یکگانگی سیاسی مرتبط است، مسیر تأثیرگذاری
کاملاً روشی است. هرچه یکگانگی سیاسی شهرنواند بیشتر باشد (در اجتماع سیاسی بیشتر
شرکت داشته باشند و تعلق آنها به نظام سیاسی آنها بیشتر باشد) ارزیابی مثبت تری (احساس
عدم التزام حکومت / احساس آنومی سیاسی کمتری) خواهد داشت.

(۴) یکگانگی دینی: شهرنوازانی که یکگانگی دینی آنها بیشتر باشد - در جامعه ایران که
احساس آنومی سیاسی آنها بیشتر است. افراد مذهبی در پیروی و تداوم
انقلاب اسلامی ایران نقش بیشتری داشته‌اند. این یک نمونه از احساس ناعادلانه و به آن
احساس تعلق داشته و در فعالیت‌های سیاسی شرکت کرده‌اند.

(۵) سکولاریسم: سرانجام متغیر سکولاریسم از دو مسیر ناعادلانه بودن قواعد و یکگانگی
دینی بر متغیر وابسته (احساس آنومی سیاسی) تأثیر می‌گذارد. این تأثیر دوگانه اتفاقاً به دو جنبه
از متغیر سکولاریسم باز می‌گردد. سکولاریسم، در تحقیق حاضر، از سویی به دین مرتبط است
(البته نه به صورت کامل، بلکه فقط در مورد نگرش غیردینی به قواعد) و از سوی دیگر به قواعد
قانون اساسی. بنابراین سکولاریسم از هر دو مسیر تأثیر خود را بر احساس آنومی سیاسی
اعمال کرده است.
نمودار ۲. نمودار مسیر احساس آنومی سیاسی

نمودار ۳. نمودار مسیر آنومی سیاسی
نتیجه گیری

نتایج (میانگین‌های) بدلیند آمده در دو شاخص کلی احساس آنومی سیاسی و آنومی سیاسی‌نیز امید که جامعه ما بر اساس ارزیابی شهرنشینان نثراتی در وضعیتی آنومیک است. این ارزیابی با شاخص احساس آنومی سیاسی، که به ارزیابی در مورد فردان حکومت و مسئولان به قواعد جامعه‌سیاسی (در اینجا قانون اساسی) مربوط می‌شود، بسیار منفی و نگران‌کننده است. از دیگر این واژه و وقتی که انتظار خود شهرنشینان با شاخص آنومی سیاسی (انواع سه گانه) سنجدیده می‌شود، مقدار میانگین به دست آمده بیش از حد متوسط است. از این رو، بیش از آن‌که این اوضاع به اوضاعی مزمن تبدیل شود، باید برای یک جهان بانک تیزیده دیده در تحقيقات حاضر؛ مهترین عوامل مؤثر بر ارزیابی شهرنشینان افزایش بودن از ۱ احساس نااعادل‌اند به دو قواعد، (۱) ضعف یکانگی سیاسی، (۲) فردگرایی سیاسی (مسئولان و شهرنشینان)، (۳) ضعف در یکانگی دینی و (۴) سکولاریسم. اثربه نوسازی اقتصادی (رشد فقر و شکاف طبقاتی) و به ویژه شکاف بین نوسازی اقتصادی و نوسازی سیاسی (اعلای باز بودن ساختار سیاسی برای پاسخگویی به تناقض‌های سیاسی نویدید)، در پیدا باید چنین وضعیت بسیار مؤثر بوده است. لذا، جمع‌بندی و پیش‌بینی‌های خود را در دو محور ارائه می‌دهیم:

۱) شکاف بین نوسازی اقتصادی و سیاسی: نوسازی اقتصادی در دهه‌ی اخیر از طریق مکانیسم‌های مختلف (نظر رشد تحصیلات به ویژه تحصیلات بالا، رشد رسانه‌های جمعی و...) به رشد نگرش‌های سیاسی دامن زد این است; حال آنکه ساختار سیاسی موجود نمی‌تواند نیروهای سیاسی نوپدید را در مناسبات قدرت سهم سازد (هانتینگتون ۱۹۷۰:۲-۳۰-۱۰۱). فقدان احزاب سیاسی پایدار که بتوانند خواسته‌ها و تناقض‌های سیاسی نیروهای سیاسی نوپدید را
تنظيم کنند و با حکومت در میان بگذارند (برزین 1387: 289-101) نیز در این شکاف بسیار مؤثر است. در واقع، فقدان میانجی‌های سیاسی مناسب، نظر احزاب، که گزارند تقاضاهای سیاسی روزافزون را با حکومت در میان بگذارند و پاسخی برای آنها بیابند، به نوعی بلکژ سیاسی منجر شده است. این بلکژ سیاسی به کاهش یگانگی سیاسی (کاهش احساس تعلق و کاهش شرکت در فعالیت‌های سیاسی) به ویژه فعالیت‌های هوادارانه از حکومت) توجه می‌شود و به ویژه نیروهای سیاسی نوپدید منجر می‌شود. چنین وضعی بر این ارزیابی که حکومت و مسئولان با توجه به آزادیها و حقوق سیاسی مطرحه در قانون اساسی از پرواروند تقاضاهای سیاسی نوپدید سریعی همزمان کاملًا مؤثر است و این ارزیابی را به سوی منفی، شدن سوق می‌دهد. بدیهی است شکل‌گیری احزاب سیاسی پایدار که بتوانند تقاضاهای سیاسی را تنظیم کنند و راهی برای سهیم شدن نیروهای سیاسی نوپدید در ساختار رسیدی قدرت بیانند و نیز ایجاد فضایی برای سیاست‌برای تحقق آزادیها و حقوق سیاسی مطرح‌شده در قانون اساسی از جمله اقدامات ضروری است.

2) شکاف طبقاتی و رشد بی‌عدالتی‌های اجتماعی: نوسازی اقتصادی پیشگنه در ایران به رشد فقر، بیکاری، تورم و شکاف طبقاتی منجر شده است. گسترش فساد مالی اشخاص و گروه‌ها، کسب ناحقق مناصب (عدم شایسته سالاری) و ارتقای اجتماعی ناموجودی، تبعیض در قضاوت و رسیدگی به جرایم مالی و سیاسی و... از جمله پدیده‌هایی هستند که به قضاوت مردم شدیداً تأثیر گذاشته است. و علاوه بر نقد عملکرد حکومت و مسئولان آرام آرام به نقد خود قواعد و ناعادلانه دانستن آنها منجر می‌شود. متساقطه و قابلیک که در جنگ سال‌الاخر رخ‌داده است، با محدودی در طریق رسانه‌های جمعی از آن مطمئن گشته‌اند، نشانگر نقض عدالت اجتماعی در موارد بیان شده است. رسیدگی جدی و بدون تبعیض به این موارد بدون شک فضایی واجد عدالت اجتماعی و قواعد عادلانه پدید خواهد آورد.
آرون، ریموند (۱۳۶۳) مراحل اساسی انگیزش در جامعه‌شناسی، ترجمه باقر پرهام، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
درکیم، امیل (۱۳۶۸) خوکمشی، ترجمه نادر سالازار، تهران: انتشارات دانشگاه علامه.
دورکیم، امیل (۱۳۶۰) درب‌های تفکیک کار اجتماعی، ترجمه باقر پرهام، تهران: انتشارات طباطبایی.
دورکیم، امیل (۱۳۶۸) دوگانگی طبیعت بشری و شرایط اجتماعی آن، ترجمه حسین گلچین، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۱۰.
شیبانی، قاسم (۱۳۷۹) حقوق اساسی و ساختار حکومت جمهوری اسلامی، تهران: انتشارات اطلاعات.
طباطبایی، مؤمن، منوچهر (۱۳۸۰) حقوق اساسی، تهران: نشر میزان.
جیمز، انتونی (۱۳۸۷) سیاست، جامعه‌شناسی و نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
مدتی، سید جلال الدین (۱۳۸۰) حقوق اساسی و نهادهای سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشر پایدار.
مرسندسی، محمد (۱۳۷۵) عوامل مؤثر بر درک مردم از عدالت و رابطه آن با برابری (نابرابری): مطالعه موردی شهر مشهد، رساله دکترای، دانشگاه تربیت مدرس.
نفیعی اسفنا، مرتضی و محسنی، فردی (۱۳۷۹) حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات اپلیکه.
هانی‌نژاد، اسماعیل (۱۳۷۰) سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگروزی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر علم.


Durkheim, Emile ([1893]1986) *De la Division du Travail Social*, Paris: PUF.


